



عباس علی حسینیپور، ایران

«بین‌المللی شدن آموزش عالی» در گفت‌وگو با غلامرضا ذاکر صالحی:

هنوز کاسب خرده‌پاهستیم

در بازار جذب دانشجوی بین‌المللی هنوز تاجر نشده‌ایم و به سود آوری نرسیده‌ایم

مهسا رضانی

به‌تازگی کتاب «آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی» به قلم غلامرضا ذاکر صالحی منتشر شده است. این کتاب در شرایطی وارد بازار شد که با توجه به نیازمند آگاهی از وضعیت آموزش عالی در سطح جهان هستند. بدین منظور، در این کتاب حدود ۱۵۰ مقاله، پیرامون تجارب راهبردی کشورهای مختلف جهان ارائه شده است. دکتر ذاکر صالحی، نویسنده این اثر، دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است که پیرامون آموزش عالی دارای دیدگاه‌های قابل تأملی است. وی در این راستا، صاحب تألیفاتی همچون «دانشگاه، جامعه و فرهنگ»، «کنایشناسی پژوهش در آموزش عالی»، «جامعه‌شناسی آموزش عالی» و… است. وی در آخرین اثر خود، به بین‌المللی شدن آموزش عالی پرداخته است. با او، در این زمینه به‌گپ‌وگفت نشستیم که ماحصل آن از نظر تان می‌گذرد.

■ **جناب دکتر ذاکر صالحی، چرا «دانشجویان بین‌المللی» و «بین‌المللی شدن آموزش عالی» دغدغه شما برای نوشتن این اثر شد؟**

این دغدغه، شخصی نیست و ملی است. همان‌طور که می‌دانید بر اساس

■ **آیا نسخه‌های دیگر می‌تواند در جذب دانشجویان بین‌المللی برای کشور ما مطلوب‌باشد؟**

این نسخه‌ها یک بخش ثابت و یک بخش متغیر دارد. بخش ثابت به این نکته می‌پردازد که برای داشتن دانشجوی بین‌المللی باید «کیفیت آموزش عالی» را ارتقا داد و «خدمات آموزشی» ارزان ارائه کرد. این راهبرد چندان ارتباطی به فضای فرهنگی هر کشوری ندارد. اما در بخش متغیر که به بافتار مربوط می‌شود، کار ما معرفی این تجربه‌ها به خواننده است و دنبال تجویز آن در ایران نیستیم. هر چند که در بخشی از مطالعه، تجویزاتی هم داشته‌ام اما این تجویز بر اساس کنکاش در خود بافتار ایران (فرصت‌ها و تهدیدها) بوده است.

■ **چرا امروزه بین‌المللی شدن علم اهمیت پیدا کرده‌است؟ و آیامی‌توان از تبدیل شدن «علم» به «قدرت» در دنیای امروز سخن گفت؟**

بی‌شک اگر علم به قدرت تبدیل نمی‌شد، اکنون ما از «دیپلماسی علمی» سخن نمی‌گفتیم. ولی فارغ از تلاش‌های دولت‌ها برای استخدام علم، در ذات علم «بین‌المللی شدن» نهفته است و به نوعی علم اساساً ماهیتی بین‌المللی دارد.

در دوره باستان دانشگاه جندی شاپور ماهیت بین‌المللی داشت و در آنجا پژوهشگران، طبیبان و حکامایی از سراسر دنیا، پژوهش، تدریس و درمان می‌کردند. وقتی جندی‌شاپور یا آن قدمت، ماهیت بین‌المللی داشته است، اکنون در قرن بیست و یکم سخن گفتن از بین‌المللی شدن دانشگاه نباید چندان عجیب به نظر برسد. بخصوص اینکه علم جدید، ماهیت بین‌المللی دارد، به عبارتی، اگر یافته‌ای علمی از سوی همگان علمی اش به رسمیت شناخته نشود، گویی آن علم تولید نشده است. این دانش تولید

چراکه متناسب با یافت و نیازهای جامعه می‌توانید دست به انتخاب صحنه بازی بزنید. بنابراین، من این نگرانی را ندارم بخصوص اینکه اگر ایرانی‌ها در حوزه علوم انسانی قوی باشند این همکاری‌های بین‌المللی به صورت انفعالی نخواهد بود. بی‌شک تأثیرپذیری وجود دارد اما می‌توان هویت مستقل و اقتضانات خود را در عین حال حفظ کرد.

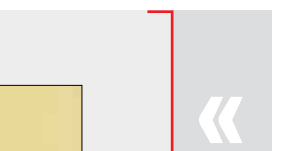
■ **برای جذب دانشجوی بین‌المللی، در کشور با چه موانعی مواجه هستیم؟**

در خصوص موانع جذب دانشجویان بین‌المللی کارهای بسیاری صورت گرفته است، به‌عنوان مثال در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و… پایان‌نامه‌هایی در این خصوص دفاع شده اما کمتر کسی چشم‌انداز و راهبرد برای آینده ارائه کرده است. در این پایان‌نامه‌ها طیف وسیعی از موانع مورد بحث قرار گرفته است؛ موانع سیاسی، فرهنگی، مدیریتی و بوروکراتیک و… عمدتاً موانع را به «ساختار متضلب اداری» و «فقدان رویکرد مناسب بین‌مدیران» نسبت داده‌اند.

اما ما از بحث آسیب عبور کرده‌ایم چراکه در حقیقت تحرک بین‌المللی دانشجویان جریان‌ی یک طرفه نیست. از طرفی دانشجویانی که از خارج از کشور داریم، بیشتر دانشجویان مسلمان‌ واز کشورهای همسایه هستند و به هیچ‌عنوان برای ما مشکلی ایجاد نمی‌کنند بلکه می‌توانند عمق فرهنگی ما را به‌مرور شکل دهند و سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی باشند.

■ **اشاره کردید که ما از کشورهای اروپای غربی پذیرش کمتری داریم؟ چرا؟**

استانداردهای آموزش عالی در ایران با استانداردهای آموزش عالی در کشورهای اروپای غربی، همچنان نیست و دانشگاه‌های اروپا و امریکایبجز دانشگاه‌های مشهور داخل کشور، برخی مدارک



نیم‌نگاه



■ **در دنیای امروز بین‌المللی شدن آموزش عالی یک مزیت نیست بلکه یک جبر و ضرورت است چراکه خود علم ویژگی هم‌افزایی و جهان‌وطنی دارد.**

■ **استانداردهای آموزش عالی در ایران با استانداردهای آموزش عالی در کشورهای اروپای غربی، همچنان نیست و دانشگاه‌های اروپا و امریکا بجز دانشگاه‌های مشهور داخل کشور، برخی مدارک تحصیلی ما را هنوز شناسایی نکرده‌اند.**

■ **جذب دانشجوی خارجی مترادف با بین‌المللی شدن آموزش عالی نیست بلکه تنها بخش کوچکی از آن است و می‌تواند فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی را تسریع کند.**

■ **از ۵ میلیون دانشجوی بین‌المللی که در سطح دنیا داریم، ۵۴ درصد سهم قاره آسیا است و این فرصتی بزرگ برای ایران است که بتواند درصدی از این دانشجویان را جذب کند.**

■ **۴۶ درصد کل دانشجویان بین‌المللی مقصدشان اروپا است و خود اروپا مبدأ حرکت ۲۴ درصد دانشجویان بین‌المللی است.**

تحصیلی ما را هنوز شناسایی نکرده‌اند. ولی می‌توان بسیاری از این موانع را برآحتی کاهش داد؛ از جمله اینکه دانشگاه‌های ایرانی سیستم بازاریابی برای جذب دانشجویان خارجی ندارند. بسیاری از دانشگاه‌های ما، بخش زبان انگلیسی سایت‌هایشان بسیار ضعیف و قدیمی است و به روز نشده است و اطلاعات جامعی در مورد دانشگاه و رشته‌های فعال آن دانشگاه ارائه نمی‌کند. در بخش زیرساخت هم کارهای زیادی باید انجام شود. در این بخش، ابتدا باید در داخل بین‌المللی شومیم و بعد بتوانیم بسط پیدا کنیم. این را «بین‌المللی شدن در خانه» internationalization at home می‌گویند. اکثر کشورهای که موفق بودند نیز ابتدا فرآیند بین‌المللی شدن در خانه را طی کرده‌اند و زیرساخت‌های لازم را فراهم کرده‌اند. یکی از این زیرساخت‌ها

«زیرساخت‌های زبانی» است که در هر دانشگاهی باید حداقل بتوان به سه-چهار زبان دنیا تدریس و پژوهش کرد. استادان باید شایستگی‌های این فرهنگی داشته باشند تا بتوانند در کلاس‌های چندفرهنگی تدریس کنند و ساختارهای مدیریتی به سمت انعطاف تغییر جهت پیدا کند. ما

باید به الزامات کیفی جذب دانشجویان بین‌المللی نیز توجه کنیم و این ایده را سطحی نینگاریم.

■ **در جریان جذب دانشجو، چقدر گفت‌وگو و تبادل علمی شکل می‌گیرد؟**

بخشی از «تحرک علمی» جنبه جغرافیایی دارد و بخش دیگر، جنبه هم‌افزایی علمی است که در درون آن نهفته است. قطعاً در این فرآیند تحرک علمی، «شبه‌کساز» هم صورت می‌گیرد و بسیاری از دانشجویان بین‌المللی در فضای مجازی حضور می‌یابند و باعث

می‌شوند تا دانش میان رشته‌ای به وجود آید چون در کشور مبدأ و مقصد تنوع رشته‌ای وجود دارد و چرخش نخگان را تسهیل می‌کند.

■ **مبدأ و مقصد مهاجرت دانشجویی اغلب چه کشورهایی هستند؟**

در کره زمین ۴ و نیم میلیون دانشجوی بین‌المللی در حال جابه‌جایی است. اینکه کشورهای مبدأ و مقصد اغلب چه کشورهایی هستند؟ رشته‌ها و دانشگاه‌هایی هستند؟ و استراتژی‌هایی که این نهاد‌های علمی برای تسریع این تحرک در پیش گرفته‌اند، چه هستند؟ پاسخ‌به این سوالات و تحلیل اینکه دانشجویان کجا می‌روند و چرا می‌روند بسیار جالب است.

در واقع یک جامعه‌۵ میلیونی در سطح ۵ قاره در حال حرکت است. در مراجعه‌ای وزارت خارجه،

وزارت فرهنگ، رسانه‌ها و تلویزیون و نهاد‌های دیگر همه باید «منطق بین‌المللی» داشته باشند تا دانشگاهی بین‌المللی دست‌پیدا کنیم.

به‌عنوان مثال در رسانه ملی ما در سریال‌های پربیننده اغلب دانشجویان خارجی یا مأمور امنیتی خرابکار از یک کشور دیگر معرفی می‌شوند یا یک دانشجوی کارگر بی‌بضاعت به تصویر کشیده می‌شود که از یک کشور توسعه‌نیافته به ایران آمده است. یعنی عنصر غیرایرانی در رسانه‌های ما در این دو مورد خلاصه می‌شود. این گویای این است که «ذهنیت میان‌فرهنگی» ما با مفهوم «بین‌المللی» آشنا نیست و نوعی بیگانه‌هراسی را در بدن خود نهفته دارد. در حالی که بین‌المللی شدن را باید با رویکردی پیچیده‌تر دید و آن را یک امر نهادی و بین‌نهادی و جامع‌تعریف کرد و شناخت. با وجود سابقه طولانی برخی دانشگاه‌ها در داشتن دانشجوی خارجی، هنوز بسترهای فرهنگی حداقلی برای این مساله فراهم نشده است. دانشجوی خارجی حتی در بدیهیات خود در ایران دچار مشکل است، رفتارهای نامناسب محیط پیرامونی آنان سبب شده نه تنها آنان سفیر فرهنگی برای ایران نباشند، بلکه با ذهنیتی شدت منفی همراه با



می‌شوند. در حالی که تفاهمنامه‌های بین‌المللی لزوماً اعتبار بین‌المللی ایجاد نمی‌کند. ممکن است نهادی به دلیل تفاهمنامه‌های بین‌المللی متعددی داشته باشد، در حالی که این تفاهمنامه‌ها معمولاً یک سری کاغذ‌هایی هستند که امضای می‌شوند و بسیاری از مواقع الزام عملی نخواهند داشت. بنابراین اینکه بین‌المللی شدن یک دانشگاه نمی‌تواند گواهی بر بالای بودن کیفیت آن هم باشد. باور اشتباه است که وزارت علوم ما همواره سعی می‌کند آمار دانشجویان خارجی را بالا ببرد تا نشان دهد که بسیار بین‌المللی شده‌ایم. نکته دوم اینکه بین‌المللی شدن لزوماً شاخص «کیفیت» نیست. به این معنا که بین‌المللی شدن یک دانشگاه نمی‌تواند شاخص تأسیس می‌کند. این مدل به تازگی در شرق آسیا رواج یافته است. «جین‌نایت»، از محققان صاحب‌نظر حوزه آموزش بین‌المللی، در مورد چند باور غلط در حوزه «بین‌المللی شدن»

شده را باید جامعه‌بین‌المللی علم، به رسمیت بشناسد. واقعیت این است که جامعه‌بین‌المللی علم، حتی علمی که در چارچوب بومی تولید می‌شود را نیز به رسمیت می‌شناسند و معتقدم برای رهائیدن علم بومی از حالت شخصی، باید آن را منتشر کرد.

■ **چقدر در زمینه همکاری‌های بین‌المللی نگرانی یکسویه‌شدن جریان تبادل اطلاعات وجود دارد؟**

همکاری‌های بین‌المللی در حوزه علوم، انتخابی است که شما انجام می‌دهید. یعنی، بر خلاف جهانی‌سازی، این شما هستید که همکاران خودتان را انتخاب می‌کنید و می‌توانید همکاران خود را از کشورهای مسلمان، دست، همسایه و… انتخاب کنید. بنابراین، شما سازماندهی و در بخشی از کتاب، بهترین عملکردها را معرفی کرده‌ام.

مزیت نیست بلکه جبر و ضرورت است چراکه خود علم نیز یک حالت هم‌افزایی و جهان‌وطنی دارد و اگر تعاملات بین‌المللی نداشته باشیم، هیچ حرفی برای گفتن نیز نخواهیم داشت. این در حالی است که در برنامه ششم توسعه در جذب دانشجویان بین‌المللی یک‌جبهش ۸ برابری پیش‌بینی شده است.

اگر بخواهیم این جهش را محقق کنیم، باید زیرساخت‌ها را تقویت کنیم و اطلاعات لازم در خصوص وضعیت ایران و کشورهای رقیب در جذب دانشجویان بین‌المللی را در اختیار مدیران قرار دهیم و

تجربه کشورهای موفق را به آنان منتکس کنیم. خلا این اطلاعات دغدغه من برای نوشتن این کتاب شد. از این رو، در این کتاب، تجارب ۴۰-۵۰ کشور را در ه قاره، سازماندهی و در بخشی از کتاب، بهترین عملکردها را معرفی کرده‌ام.

در غیاب «منطق بین‌المللی»

سه باور اشتباه رایج ما ایرانیان در مورد «بین‌المللی شدن آموزش عالی»

و بحث‌های امنیت ملی در حوزه منطقه و کمک‌های فنی است که همه اینها بخشی از سیاست‌های اقتصادی و سیاسی دولت محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، فرآیند بین‌المللی شدن انگیزه و «محرک آکادمیک» هم دارد که بیانگر رشد و توسعه تحقیقات و چشم‌انداز آکادمیک است. محرک چهارمی نیز هست که ما معمولاً از آن غفلت می‌کنیم

و این «محرک اجتماعی-فرهنگی» است؛ یعنی دانشگاه بین‌المللی را با هدف توسعه فرهنگی و اجتماعی، همچنین با هدف توسعه درک و شناخت بین‌فرهنگی در میان شهروندان تأسیس کنیم.

بین‌المللی شدن را از این منظر می‌شود به مثابه تلفیق جنبه‌های بین‌المللی بین‌فرهنگی و جهانی در اهداف و کارکردها و خدمات آموزش‌های دانشگاهی در نظر گرفت که از این منظر بین‌المللی شدن یک فرآیند مستمر و پویا است. یعنی خصلتی نیست که آن را تأسیس کنیم و سپس به‌طور خودکار کارش را انجام دهد بلکه فرآیندی است که بشدت «زمینه‌مند» و «تاریخی» است و به همین دلیل همواره مستلزم بازاندیشی است. با این نگاه، ما در دنیا «سه نسل» دانشگاه بین‌المللی داریم. هر چند محققانی مانند «جین نایت» معتقدند که فرم ثابت یا استاندارد ثابتی برای دانشگاه بین‌المللی



دکتر چهار رضانی عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و فرهنگی

«بین‌المللی شدن آموزش عالی»

در شرایط فعلی، به امری مد روز بدل شده است که نهاد‌های زیادی متولی آن شده‌اند و همچون قاره جدیدی است که از سوی دانشگاه‌های مختلف کشف می‌شود.

«بین‌المللی شدن»، به مثابه یک سیاست فرهنگی و آموزشی، مقتضیات خاص خود را می‌طلبد و شدت مبتنی بر درکی است که نهاد‌های متولی آن از امر «بین‌المللی» و «آموزش عالی بین‌المللی» دارند. موج جدید این پدیده در ایران، مستلزم یک بازاندیشی مستمر است تا بتوان روند روبه بهبودی را برای این مساله در ایران ترسیم کرد.

بین‌المللی شدن محرک‌ها و انگیزه‌های بسیاری برای نهاد‌های آموزش عالی دولتی و خصوصی دارد؛ نخست انگیزه‌ها و «محرک‌های اقتصادی» در زمینه توسعه و نیروی کار است و همچنین «محرک‌های سیاسی»

که به آمارها داشتیم متوجه شدم که از بین ۴ ونیم تا ۵ میلیون دانشجوی بین‌المللی که در سطح دنیا داریم، ۵۴ درصد سهم قاره آسیا است و این فرصتی بزرگ برای ایران است که بتواند درصدی از این دانشجویان را جذب کند. جالب است که در اروپا، کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۴ درصد سهم کشورهای مبدأ را در این «تحرک بین‌المللی» تشکیل می‌دهند و از طرفی بیش از ۴۰ درصد کشورهای مقصد هم همین کشورهای اروپایی هستند. ۴۶ درصد کل دانشجویان بین‌المللی مقصدشان اروپا است و خود اروپا مبدأ حرکت ۲۴ درصد دانشجویان بین‌المللی است. یعنی همچون آب جاری از آن طرف دانشجو می‌آید و از آن طرف دانشجو می‌رود.

از نظر سهم کل دانشجویان مشغول به تحصیل، امریکا ۲۰ درصد این دانشجویان را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۴ انگلستان و استرالیا هر کدام ۲۰ درصد از سهم ثبت‌نام‌شدگان را داشتند یعنی جمعاً ۴۰ درصد. از طرفی میزان جذب دانشجوی خارجی در امریکا از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۲ دو برابر شده است و این جهش قابل توجهی است. فقط پس از حادثه یازده سپتامبر یک توقف چند ساله رخ می‌دهد و این رشد، آهنگ کندتری به خود می‌گیرد. در این میان، مالزی، سنگاپور، ترکیه، قطر و امارات از این فضا حیف استفاده را به سمت می‌کنند و دانشجویان آسیایی را به سمت خود جذب می‌کنند. هیچ‌کس در این مسیر توقف نکرده و اگر ایران در این مسیر توقف کند به ضرر خود عمل کرده است.

■ **سهم ایران در این بازار بین‌المللی جذب دانشجوییست؟**

آمارها قابل توجه نیست. در مورد دانشجویانی که خود به صورت شخصی عمل می‌کنند آمار منتشر شده رسمی‌ای وجود ندارد. آمارهای دانشجویان بورسیه ایرانی به خارج از ایران بسیار پایین است

و این آمارها در برخی سال‌ها به عدد صفر هم می‌رسد و رقم قابل توجهی نیست. اما آمار دانشجوی خارجی ورودی به کشور طبق مصاحبه وزیر علوم ۵۲ هزار دانشجو خارجی اعلام شده است که در این آمار، دانشجویان و طلاب جامعه‌المصطفی هم هستند و دانشجویان عراقی و افغان که متولد ایران هستند نیز خارجی تلقی شده‌اند. بنابراین، در بازار بین‌المللی شدن آموزش عالی، ما یک کاسب خرده‌پا هستیم و هنوز تاجر نشده‌ایم و به سود آوری و پیگیری یک استراتژی توسعه‌یافته، به همین دلیل است که ما تاکنون بین‌المللی‌شدن آموزشی خارجی بگیریم، البته جذب دانشجوی خارجی مترادف با «بین‌المللی شدن آموزش عالی» نیست بلکه تنها بخش کوچکی از آن است و می‌تواند فرآیند بین‌المللی شدن آموزش عالی را تسریع کند.